

نکات مهم درس ۴ : قلمرو رسالت

برنامه هدایت الهی و رسالت پیامبر شامل چند قلمرو است : (وظایف پیامبر و حیطة مسئولیت ها)

۱- دریافت و ابلاغ وحی

۲- تعلیم و تبیین تعالیم (مرجعیت دینی یا علمی)

۳- اجرای قوانین از طریق ولایت و حکومت بر جامعه (ولایت ظاهری)

۴- هدایت و ولایت معنوی

توضیح مورد ۱ : پیامبر از طریق فرشته وحی یا جبرئیل پیام الهی را بدون نقص و بدون اشتباه می گرفت و آن را به مردم می رساند . برای اینکه این پیام بدون اشتباه یا کمی و زیادی به دست مردم برسد ، عده ای از اصحاب - مانند اولین و برترین آنها علی (ع) - آن را می نوشتند و حفظ می کردند

= کاتبان و حافظان وحی

تنظیم و مرتب کردن قرآن و در اختیار مردم قرار دادن آن از وظایف ایشان بود که در راستای وظیفه «ابلاغ» صورت می گرفت = جلوگیری از تحریف و در اختیار قرار دادن این کتاب برای همه انسانها در گذشته ، حال و آینده

توضیح مورد ۲ :

توضیح ، تعلیم ، تفسیر ، تبیین آیات و احکام و قوانین قرآن و آموزش شیوه عمل کردن به احکام - نماز ، روزه ، حج و - از وظایف پیامبر بود . آشنا کردن مردم با معارف کتاب آسمانی و شیوه عمل کردن به آنها با **گفتار و رفتار پیامبر (ص)** صورت می گرفت . در واقع مردم با مراجعه به سنت و سیره آن حضرت می توانند آیات الهی را بفهمند = اولین و معتبرترین مرجع علمی برای آشنایی با قرآن و قوانین الهی = الگو بودن پیامبر برای انسانها از نظر گفتار و رفتار

توضیح مورد سوم :

ولایت = سرپرستی و رهبری برای اجرای احکام خداوند در همه ابعاد سیاسی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و
پیامبر (ص) برای اجرای قوانین اسلام در مدینه - با دعوت و رضایت مردم و پذیرش آزادانه دین توسط آنها- حکومت تشکیل داد = هجرت به مدینه و تشکیل حکومت بر مبنای قوانین اسلام با کمک افرادی که به همراهی ایشان از مکه آمده بودند (مهاجران) و مردم و اهالی شهر مدینه (انصار) .
مسجد مدینه مقر حکومت پیامبر (ص) بود .

سؤال : چرا در روایات - امام باقر (ع) - از ولایت به عنوان مهمترین رکن اسلام - در میان ارکان ۵ گانه اسلام : نماز زکات ، روزه ، حج و ولایت - یاد شده است ؟

اهمیت بسیار زیاد ولایت ظاهری برای اجرای تمام احکام دین اعم از احکام فردی و اجتماعی

توجه : در میان این سه وظیفه مهمترین وظیفه ولایت ظاهری است . دریافت و ابلاغ و تعلیم وحی زمینه ساز رسیدن به ولایت ظاهری می شود .

سؤال : چرا جامعه اسلامی نیاز به ولایت ، حکومت و رهبری اسلامی دارد ؟

دلایل : ۱- جامعیت دین اسلام

کامل بودن دین اسلام و در بر گرفتن قوانین فردی و اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ ابعاد فردی و اجتماعی حیات انسان از ویژگی هایی است که نمی توان آن را انکار کرد . برنامه خداوند که بهترین و کوثاهترین راه برای هدایت انسانها و جوامع بشری است شامل هر دو بعد فردی و اجتماعی حیات انسان است .

مسلمان حقیقی کسی است که هم قوانین فردی و هم قوانین اجتماعی را در زندگی خود اجرا کند تا به کمال برسد .

برای اجرای قوانین اجتماعی دین قطعاً نمی توان به تنهایی عمل کرد . تنظیم روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اجرای قوانین در این ابعاد که بدون تردید بر روی ابعاد فردی زندگی انسانها تأثیر دارد در صورت تشکیل حکومت ممکن خواهد شد .

۲- ضرورت اجرای احکام اسلامی

پیامبر موظف بود علاوه بر اجرای قوانین فردی دین، قوانین اجتماعی آن را نیز در جامعه اجرا کند. عدالت از مهمترین قوانینی است که قرآن آن را یکی از مهمترین اهداف رسالت انبیاء می داند. اجرای این هدف بدون تشکیل حکومتی صحیح ممکن نیست. راههای رسیدن به عدالت و تشکیل یک جامعه عادلانه با یک اقتصاد سالم بر مبنای خمس، زکات، اجرای استقلال، امر به معروف و مبارزه با ظلم ممکن است. تشکیل حکومت مهمترین ابزار اجرای عدالت و سایر قوانین اجتماعی است. محال است خدا دستور به اجرای عدالت را صادر کند اما ابزار رسیدن به آن را نادیده بگیرد.

۳- پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت

طاغوت = کسانی که در عرض حکم خدا و مخالف با آن حکم می دهند و قانون گذاری می کنند و خدا آنها را تأیید یا تعیین نکرده است. (منشأ حکم آنها قرآن و خدا نیست).

مراجعه به طاغوت و اطاعت از آن بر مسلمان، شرک و حرام است. ضروری و واجب است که مسلمان خدا را سرپرست و ولی خود بداند و تنها از او پیروی کند.

اجرای هر قانون (حتی قوانین جدید و ثانویه) مشروط به این است که تضادی با حکم خدا نداشته باشد در نتیجه نمی توان هر حکومتی را پذیرفت و از آن اطاعت کرد.

۴- حفظ استقلال جامعه = قاعده نفی سبیل

قرآن از مسلمانان می خواهد که سلطه بیگانگان و کفار را نپذیرند = قاعده نفی سبیل

این اصل از قوانین اجتماعی اسلام است که مسلمانان و از جمله پیامبر موظفند آن را در جامعه پیاده کنند و روابط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خود را با سایر کشورها بر این اساس تنظیم کنند. حفظ استقلال در همه جهات و تحقق قاعده نفی سبیل، نیاز به تشکیل حکومتی دارد که به این اصل پای بند باشد.

توضیح مورد چهارم: ولایت معنوی

ولایت معنوی = سرپرستی و رهبری معنوی انسانها و رساندن آنها به کمال

این مرتبه بالاتر از ولایت ظاهری است. همه وظایف پیامبر اعم از گرفتن و ابلاغ، مرجعیت دینی و تعلیم و توضیح و ولایت ظاهری رساندن انسانها به کمال معنوی است.

پیامبر با انجام وظایف و قرار گرفتن در اوج بندگی به تقرب به خدا که عالی ترین هدف است دست یافت و در نتیجه از توانایی هایی برخوردار شد که او را از سایر انسانها متمایز کرد.

انجام معجزه های مختلف، دستیابی به یقین و مشاهده عالم غیب و تسلط بر عالم ماده و روح و جان انسانها برای هدایت ایشان از راههای غیر معمولی (شفای بیماران، دفع خطرات و امدادهای غیبی و برآوردن حاجات و الهامات روحی و معنوی)، نتیجه دستیابی آن حضرت به تقرب به خدا و ولایت معنوی است.

ایمان و عمل پیامبر مهمترین عامل در دستیابی ایشان به هدایت معنوی و مستقیم از سوی خدا و در نتیجه دستیابی ایشان به مقام ولایت معنوی است.

انسانها در صورت داشتن ایمان و عمل و با استفاده از ولایت معنوی ایشان می توانند با شتاب بیشتری به هدایت معنوی دست یابند. هرچقدر ایمان و عمل بیشتر باشد استعداد دریافت هدایت بیشتر است.

در نتیجه می توان گفت پیامبر با رسیدن به مقام قرب الهی و بهره مندی از هدایت معنوی خدا به ولایت معنوی دست می یابد و انسانها با ایمان و عمل و استفاده از ولایت معنوی ایشان می توانند به مقام قرب و بهره مندی از هدایت معنوی خدا برسند. هدایت معنوی که در سایه بندگی و ایمان و عمل به دست می آید علت دستیابی پیامبر به مقام ولایت معنوی بر انسانها شده است. در انسانها برخوردار از ولایت معنوی پیامبر که باز به درجه ایمان و عمل آنها بستگی دارد می تواند علت برخوردار از هدایت معنوی شود.

